

Thematic analysis of violence of married men and women against their spouses

Masoud Golchin¹ | Alireza Karimi² | Ali Rezaei³ | Mansoreh Aazam Azadeh⁴

Abstract

In the present era, the family has undergone extensive changes affected by social changes and deformations. The Iranian family has not been dismissed by these changes so that its structure, especially the relationships between people within the family has undergone fundamental changes, so that they have faced with various issues and problems such as family violence. The purpose of the present study is to understand the meaning, causes and consequences of family violence experienced by spouses among the people who referred to the court of the Isfahan. The data were collected on the basis of a qualitative research using deep interviews and analyzed with the help of "thematic analysis". Finally, the results were categorized in six main themes, "profiteering and preference for personal benefit to common interests", "heterogeneous thought and behavior and unsimilarity and understanding", "the pressures of children and spouse's family resulted from the negative role of spouse", "imposition of equality and mutual action", "imposed structures, reinforcing and violence in society" and "continuous cycle of violence. The understanding the meaning of family violence is different in men and women in proportion to experienced instances. The family violence is interwoven with a variety of reasons in its shaping. However, the violence can be considered as any kind of harm done by spouses, which causes the creation of problem in their relationships and loss of kindness, and calm and respect in family. Among the consequences of family violence is the type of continuous violence cycle based on the taking of revenge and repay strategies. This cycle starts with the act of violence of one party and continues with the opposite of violence of the other, such that it may start from moral violence and turn into psychological, physical, sexual, social and economic violence. Thus, the most important consequence of family violence will be the continuation of violence in a consecutive cycle and with different issues from the individual to family and social domains.

Keywords: Family violence, Continuous cycle of violence, Moral violence and Thematic analysis.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.63.12.8

1. Corresponding Author : Associate Professor, Department of Sociology, Kharazmi University.

golchin@khu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Sociology, Kharazmi University.

3. Doctoral student of Khwarazmi University

4. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Economic and Social Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

63

Vol. 2
Summer 2023

Research Paper

Received:
26 July 2022

Accepted:
23 January 2023
P.P: 305-332

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



19

مضمون‌شناسی خشونت زنان و مردان متأهل علیه همسران خود: دلایل و پیامدها

مسعود گلچین^۱ | علیرضا کریمی^۲ | علی رضائی^۳ | منصوره اعظم آزاده^۴

چکیده

خشونت خانوادگی امری پیچیده است که عوامل گوناگونی در شکل‌گیری آن نقش دارند. با این وجود می‌توان این خشونت را به مثابه هر نوع عمل آسیب‌رسان از سوی همسران در نظر گرفت که موجب ایجاد مشکلاتی در روابط آنها و از دست دادن محبت، آرامش و احترام در خانواده می‌شود. هدف نوشتار حاضر فهم معنا، دلایل و پیامدهای خشونت خانوادگی تجربه شده از سوی همسران است. در این مطالعه، ۱۵ نفر از زنان و مردان متأهل که در سال ۱۴۰۰ از اردیبهشت‌ماه تا تیرماه به دادگاه خانواده در شهر اصفهان مراجعه کرده بودند، مشارکت داشتند. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و بر اساس ملاک‌های متأهل بودن، سکونت در اصفهان و قرار داشتن در معرض خشونت خانوادگی به‌ویژه از سوی همسران انتخاب شدند. داده‌ها بر اساس رویکرد کیفی با استفاده از مصاحبه عمیق گردآوری و به کمک «تحلیل مضمون» بررسی شد. در نهایت نتایج در هفت مضمون اصلی: «آسیب دیدگی جسمی و روانی و احساس نادیده گرفته شدن»، «تبدیل کانون محبت‌آمیز خانواده به کانون مشاجره»، «ناهمسان همسری در زمینه خلق و خو و منش»، «نقش آفرینی منفی فرزندان و خانواده همسر»، «عدم قدرت تصمیم‌گیری و توان پاسخ‌دهی»، «ساختارهای تحمیلی و خشونت‌آفرین جامعه» و «شکل‌گیری چرخه متوالی و به هم پیوسته خشونت در همه ابعاد و سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی» دسته‌بندی شده است. به نظر می‌رسد، فهم معنای خشونت خانوادگی، در مردان و زنان به تناسب مصادیق تجربه شده متفاوت است. از جمله پیامدهای خشونت خانوادگی شکل‌گیری نوعی چرخه مداوم خشونت بر اساس اتخاذ راهبرد انتقام‌گیری و تلافی‌جویی است. این چرخه با عمل خشونت‌آمیز یک طرف شروع شده و با عکس‌العمل خشونت بار طرف دیگر ادامه می‌یابد به‌گونه‌ای که ممکن است از خشونت اخلاقی آغاز شده و به خشونت روانی، جسمی، جنسی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. به این ترتیب مهم‌ترین پیامد خشونت خانوادگی، ادامه یافتن خشونت در یک چرخه متوالی و با موضوعات مختلف از حوزه فردی تا خانوادگی و اجتماعی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: خشونت خانوادگی، رنج ناشی از آسیب دیدن، نادیده گرفته شدن، احساس قربانی شدن، خشونت همسران علیه یکدیگر.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.63.12.8

golchin@khu.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی.

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی.

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی.

۴. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی - اجتماعی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



۶۳

سال هجدهم
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۰۳

صص: ۳۳۷-۳۰۵



مقدمه

در میان انواع خشونت اعم از خشونت خیابانی، اجتماعی و دولتی، خشونت خانوادگی یک آسیب جدی اجتماعی است که با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری همچنان در جوامع خودنمایی می‌کند (آبوت و والاس^۱ ۲۰۱۰) با وجود این که خانواده، باید مرکز احترام، آرامش، و محبت باشد، در مواردی محل ایجاد و اعمال انواع خشونت علیه زنان و مردان و حتی کودکان و سالمندان است. با توجه به جایگاه خانواده در جامعه به عنوان مهم‌ترین سازمان رفع‌کننده بسیاری از نیازهای اشخاص و اهمیت آن، مشکلات تعاملی در خانواده، یکی از مسائل بسیار بنیادی جامعه است که نظم جامعه را تهدید می‌کند (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۹ و مشونیس^۲، ۲۰۱۰).

در عصر حاضر، خانواده تحت تأثیر تحولات و تغییرات اجتماعی از لحاظ کمی و محتوایی، دچار دگرگونی‌هایی شده است. خانواده ایرانی نیز بر کنار از این تحولات نبوده به طوری که ساختار آن بخصوص روابط بین افراد درون خانواده دستخوش تغییرات اساسی شده که در نتیجه آنها، امروزه خانواده ایرانی با مسائل و مشکلات متنوعی از جمله پدیده خشونت خانوادگی مواجه است. خشونت خانوادگی، در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و در میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی با یکدیگر پیوند خورده‌اند (آبوت و والاس^۳ ۲۰۱۰). این پدیده، تحت عنوان همسر آزاری، خشونت زناشویی، مرد آزاری، زن آزاری، شریک آزاری و نظایر آن نیز به کار رفته است. از دهه‌ی هفتاد میلادی توجه محققانی مانند «کمپ^۴» به مطالعه بر روی پدیده بدرفتاری با کودکان در خانواده جلب شد و بعد از مدتی مسئله‌ی خشونت خانوادگی علیه زنان مطرح شده است. البته باید توجه داشت یکی از خلأهای اساسی در زمینه خشونت زنان علیه مردان در داخل کشور، این موضوع است که آمار دقیقی در این خصوص وجود ندارد و موضوع خشونت علیه مردان نیز بر محدودیت‌های دسترسی آمار و ارقام می‌افزاید (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹). با وجود این پاره‌ای از پژوهشگران به صرف اینکه در یافته‌های پژوهشی، خشونت فیزیکی^۴ زنان علیه مردان به صورت محسوس مشاهده نشده؛ بدون بررسی دقیق دیگر اشکال خشونت از جمله خشونت روانی^۵،

1. Abbott, P. Wallace, C
2. Macionis, J
3. Camp, H
4. Physical Violence
5. Social violence

خشونت اجتماعی^۱، خشونت مالی^۲ و خشونت جنسی^۳، مسئله خشونت خانوادگی علیه مردان را کم اهمیت شمرده و از آن غفلت کرده‌اند. اما در پژوهش‌هایی که امروزه در ارتباط با مسئله خشونت‌های خانوادگی صورت می‌گیرد، این اعتقاد نسبتاً رایج شده است که مصادیق خشونت‌های خانوادگی علیه مردان نیز وجود دارد. رفتارهای خشونت آمیز و آزاردهنده زنان در محیط خانه از یکسو می‌تواند مردان را به لحاظ فردی متأثر نماید و برای آنها صدمات روحی و جسمی حتی (مرگ) در پی داشته باشد و از سوی دیگر رفتارهای خشونت آمیز زنان به نهاد خانواده لطمه وارد ساخته و در چنین شرایطی خانواده دستخوش آسیب‌های جدی می‌شود (کاستا و دیگران^۴، ۲۰۱۵). برای مفهوم خشونت و خشونت خانوادگی تاکنون، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است که از رویکردهای نظری صاحب‌نظران مختلف متأثر است؛ به عنوان مثال، ریشه‌های اجتماعی خشونت به عنوان یک کردار انحرافی، آسیب‌شناختی و گاه مجرمانه؛ ابعاد مرتبط با هویت و ساختار اجتماعی و ریشه‌های فرهنگی، تفکر یک جامعه درباره مفاهیم مرد و زن، مردانگی و زنانگی و نظام جهت‌گیری‌ها و ترجیحات آنها در کنش‌های اجتماعی‌شان.

خشونت رفتاری عمدی است که هدف آن صدمه زدن فیزیکی یا کلامی به خود یا دیگران باشد. گروهی از صاحب‌نظران دلیل این رفتار را ذاتی و فطری و گروهی دیگر آن را اکتسابی می‌دانند» (آلوس^۵، ۲۰۱۹). در همین راستا «خشونت خانوادگی به عمل و یا برخوردی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، شخصی بر شخص دیگری، عمداً، در حومه و یا چارچوب خانواده، صدمه فیزیکی یا معنوی (روانی یا اخلاقی) وارد می‌نماید. این نوع برخورد، می‌تواند به گونه‌های مختلفی بروز نماید. شایع‌ترین انواع خشونت را ضرب و شتم، تجاوزات جنسی، تحقیر، تهدید، توهین و در برخی از حالات اعمال محدودیت اقتصادی بر افراد، تشکیل می‌دهد» (اله نوری و همکاران، ۱۴۰۱).

ناسازگاری و نزاع خانوادگی نوعی تعامل سرد در خانواده است. تعامل سرد، مطلوبیت ذاتی تعاملات را از بین می‌برد؛ یعنی اشخاص صرفاً از سر ناچاری و فقط با در نظر گرفتن مصالحی با یکدیگر کنش متقابل انجام می‌دهند (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۹).

1. Economic violence
2. sexual Violence
3. Costa, K & et al
4. Costa, K & et al
5. Alos.R

باید توجه داشت که خشونت خانوادگی یک مسئله جهانی است. زیرا در کشورهای مختلف و بدون توجه به وضعیت توسعه‌یافتگی آن‌ها شاهد خشونت خانوادگی هستیم. مطابق آمار جهانی و منتشرشده از طرف سازمان بهداشت جهانی بیش از ۷۰ درصد از زنان در دنیا قربانی خشونت جنسی و فیزیکی از سوی همسران یا شرکای زندگی خود می‌شوند (ساندرزو الیوت^۱، ۲۰۲۰). خشونت خانوادگی آثار منفی متعددی را به بار می‌آورد. به‌طور مثال: احساس عدم کفایت در مدیریت خانواده، از کار افتادگی جسمی و روحی، عدم کارآیی در محیط کاری، خدشه‌دار شدن شرافت و عزت نفس، کاهش منزلت خانوادگی و اجتماعی، پناه آوردن به داروهای روانگردان، الکل، مواد مخدر، قمار و فالگیری، خودکشی، احساس درماندگی، افسردگی مزمن و غیره (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳). آسیب‌پذیری زمانی بیشتر می‌شود که اشخاص در معرض اضطراب و فشار روحی در دوران‌های خاص قرار گیرند، در دو سال گذشته (۱۴۰۰-۱۳۹۹) به علت شیوع ویروس کرونا و لزوم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، قرنطینه‌خانگی، حضور طولانی مدت در خانه و کاهش روابط اجتماعی به نظر می‌رسد، آمار خشونت خانوادگی افزایش یافته و خشونت خانوادگی بیش از پیش تبدیل به یک مسئله جدی شده است (صفاری و همکاران، ۱۴۰۰).

پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه خشونت خانوادگی در شهر اصفهان در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، شایع‌ترین خشونت اعمال شده را خشونت عاطفی ۵۲/۸۲ درصد، خشونت کلامی ۴۷/۶۹ درصد، خشونت مالی ۳۵/۳۸ درصد و خشونت جسمی ۲۴/۸۷ درصد برآورد کرده‌اند (کیوان آرا و همکاران، ۱۳۹۴:۴۴۸؛ پور افکاری و همکاران، ۱۳۹۲؛ کیانی، ۱۳۹۱).

بررسی منابع علمی و پژوهش‌های انجام شده در حوزه خشونت خانوادگی نشان می‌دهد تاکنون، پژوهشگران به مسائل و چالش‌های خشونت خانوادگی با رویکردهای مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی توجه کرده و کوشیده‌اند برخی از جنبه‌ها و ابعاد آن را بررسی کنند. در بسیاری از این پژوهش‌ها کمتر به بررسی هم‌زمان موضوع خشونت خانوادگی در مردان و زنان به ویژه با تأکید بر فهم زنان و مردان از خشونت خانوادگی پرداخته شده است.

حمزئی ماشاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند در ایام کرونا مردان بیش از زنان خشونت خانوادگی را در چهار بعد روانی، فیزیکی، جنسی و اقتصادی تجربه کرده‌اند. اما به

1. Saunders, D. J., Eliot.M

دلیل غرور مردانه، سرشکستگی و احساس شرم و ترس از به تمسخر گرفته شدن و جلوگیری از دستاویز شدن توسط دوستان و اطرافیان سکوت کرده و از طرح مورد خشونت واقع شدن طفره می‌روند.

شیرعلی (۱۴۰۰)، در بررسی فهم و تفسیر زنان از خشونت نشان داد که از دیدگاه آنان، خشونت در سه نوع علیه آنها اعمال شده است، خشونت فیزیکی، خشونت نهادی یا قانونی و خشونت اقتصادی. در خشونت فیزیکی عامل خشونت عمدتاً شوهران آنها بودند، در خشونت نهادی، قانون‌گذار برخی از حقوق زنان را حذف کرده است و در خشونت اقتصادی به زنان اجازه داده نمی‌شود در امور اقتصادی دخالت کنند و حق دخل و تصرف در اموال را ندارند.

سعیدی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند، نوع تجارب زنان در زمینه خشونت، در نهایت تعریف شان را از خشونت علیه زن جهت می‌دهد. زنان به دخالت خانواده مرد، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی مرد، عدم شناخت کافی از یکدیگر و اندیشه‌های مردسالاری اشاره کرده‌اند. همچنین زنانی که قدرت مقابله با همسر را در خود نمی‌بینند، به صورت منفعلانه به سازش و تحمل زندگی خشونت بار، پنهان کردن خشونت اعمال شده و در نهایت دفاع از خود در هنگام کتک خوردن می‌پردازند. آن دسته از زنان که توانایی مقابله با خشونت همسر را دارند، به صورت فعالانه دست به اقداماتی چون اتخاذ تدابیر برای بهبود اوضاع، عدم انجام خواسته‌های مرد، ناسزاگویی در مقابل خشونت کلامی شوهر و در نهایت با نتیجه ندادن اقدامات اشاره شده به قهر و ترک منزل دست می‌زنند.

حسینی و همکاران (۱۳۹۹)، مهم‌ترین عوامل به وجود آوردن خشونت خانوادگی را ناراضی ناشی از مقایسه، ارتباطات منفی و پرخاشگری بیمارگونه می‌دانند. شرایط مداخله‌گر این پدیده عبارتند از خشونت ناشی از احساس محرومیت نسبی و سرکوبگری مردانه. استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان، مبارزه، انتقام‌جویی و انزواگزینی است که به گسست در روابط عادی خانواده و اثرات منفی روانی و ارتباطی منجر می‌شود.

جان‌آبادی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان داد تجربه مردان و زنان از خشونت خانوادگی متفاوت است به طوری که مردان به ترتیب بیشتر خشونت روانی، اجتماعی، جنسی، فیزیکی، اقتصادی و زنان بیشتر خشونت اجتماعی، اقتصادی، جنسی، فیزیکی و روانی را تجربه می‌کنند. همچنین خشونت

خانوادگی با متغیرهای همدلی، همفکری، تجربه خشونت در دوران کودکی، حمایت اجتماعی، قدرت اقتصادی و دینداری رابطه‌ای معناداری دارد.

مکراری و سانگا^۱ (۲۰۲۰) در بررسی تأثیر قرنطینه بر خشونت خانوادگی در آمریکا نشان دادند در زمان قرنطینه خانگی به دلیل شیوع کرونا، بیشتر خشونت‌ها، در طول روز اتفاق افتاده است. در ساعات کاری خشونت خانوادگی از ۱۲ درصد به ۲۰ درصد و میزان آزار و خشونت برای اولین بار از ۱۶ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافته است.

کاستا، و دیگران (۲۰۱۵)، برای بررسی علت و عوامل پیش‌بینی‌کننده خشونت زناشویی زنان و مردان، پژوهش را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که علت و عوامل زمینه ساز خشونت زناشویی را می‌توان در دو دوره رشدی مختلف مورد بررسی قرار داد. در دوران کودکی مواردی همچون آزارها و سوء استفاده‌های دوران کودکی، خطرات و ریسک‌های خانواده مبدأ، مشکلات رفتاری و خطرات اجتماعی و جمعیت شناختی قرار می‌گیرد و در دوران نوجوانی مسائلی همچون مشکلات رفتاری، سوء مصرف مواد، خطرات نشأت گرفته از گروه همسالان و آزارهای دوران نوجوانی قرار دارد (کاستا و همکاران، ۲۰۱۵).

ویلیام گود^۲ در نظریه منابع مطرح می‌کند؛ خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری، دارای نظامی اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیش از دیگران دسترسی دارد می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۰). بر پایه این نظریه نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتداری است و هر کس به منابع مهم خانواده (مانند شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و ارتباطات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست (کبیری و همکاران ۱۳۹۷).

بر مبنای این نظریه می‌توان اینگونه نتیجه گرفت: با توزیع مناسب منابع ارزشمند در جامعه در میان مردان و زنان، می‌توان به ایجاد روابط صحیح و منطقی کمک کرد. در واقع به هر میزان منابع ارزشمند اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به صورت برابر در اختیار زوجین قرار گیرد، احتمال بروز خشونت در میان آنها می‌تواند کمتر شود.

1. McCrary, J & Sanga, S
2. William Goode

از نظر بوردیو^۱، مفهوم خشونت نمادین با مفهوم «سرمایه نمادین» پیوند کاملی دارد. در واقع، خشونت یا قدرت نمادین صرفاً یک ظرفیت و امکان اعمال قدرت یا خشونت است، اما همین امکان سبب می‌شود که افراد به شدت رفتارهای خود را کنترل کرده و خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند. البته چنین خشونتی می‌تواند سطوح کارایی بسیار پایین یا بسیار بالایی داشته باشد که این امر بستگی به سرمایه شخص، یعنی مجموعه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی (روابط و مناسبات)، اقتصادی (ثروت)، نمادین (کاریزمایی و حیثیت اجتماعی) و فرهنگی (تحصیلات، دانش و مهارت‌های فرهنگی) دارد. بنابراین، خشونت نمادین برای نایل شدن به هدف خود باید بتواند از شکل صریح و تعارض مستقیم به شکلی غیرمستقیم درآید. خشونت نمادین، خشونت تحمیل‌کننده اطاعت‌هایی است که نه فقط به مثابه اطاعت درک نمی‌گردند، بلکه با اتکا بر «انتظارات جمعی» و باورهای از لحاظ اجتماعی درونی‌شده فهمیده می‌شوند. بنابر نظریه خشونت نمادین، خشونت‌هایی در جامعه وجود دارند که تحت تأثیر باورهای فرهنگی اصلاً خشونت به شمار نمی‌آیند و حال این که بسیاری از خشونت‌های آشکار دیگر نیز ریشه در آنها دارند (ابراهیمی پور، ۱۳۹۰: ۱۶).

مفهوم نقش‌های جنسیتی (مردانگی و زنانگی) توسط جامعه‌شناس آمریکایی تالکوت پارسونز^۲ بیان شد: کسی که اظهار داشت تمایز اجتماعی یکی از الزامات جامعه است و تقسیم کار در خانواده بین زن و مرد از الزامات اساسی اجتماعی شدن کودکان است. نهادهای خانواده، رسانه‌ها، گروه‌های همسالان و مدرسه عوامل اصلی اجتماعی شدن کودکان هستند. کودکان به واسطه تعامل با این نهادها نقش مناسب جنسیتی را یاد می‌گیرند و مرد یا زن می‌شوند. نکته قابل ملاحظه آن که امروزه نقش‌های جنسیتی سنتی و مرسوم کمتر مورد پذیرش زنان جوان جامعه است و برخی از آنها، نقش‌های جنسیتی متفاوتی از آنچه جامعه الزامی می‌داند را انتخاب نموده‌اند (یعقوبی دوست و عنایت، ۱۳۹۲).

مطالعه مسئله خشونت خانوادگی و ارائه راه حل‌های علمی و کاربردی برای کاهش آن می‌تواند در حفظ و ارتقای سلامت جامعه و خانواده نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که در میان نمونه‌ای از زنان و مردان متأهل ناراضی از زندگی خانوادگی معنا، دلایل و پیامدهای خشونت زنان و مردان متأهل علیه همسران خود در شهر اصفهان چیست؟.

1. Pierre Bourdieu
2. Talcott Parsons

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد و شیوه‌ای کیفی به کمک روش تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک انجام شده است. روش مزبور فرایند شناسایی الگوها یا تم‌ها در بطن داده‌های کیفی است (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۸). هدف تحلیل تماتیک، شناسایی تم‌ها یا الگوها در داده‌های مهم است. پژوهشگران از این تم‌ها برای پاسخ به سؤالات پژوهش یا ارائه مطالبی پیرامون مسئله تحقیق استفاده می‌کنند (ماگویی‌ره و دلاهان‌ت^۱: ۲۰۱۷). در این مقاله نیز تلاش شده است از طریق استنباط و استخراج مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، الگوهای معنایی و شبکه مضامین نهفته در سخنان زنان و مردان خشونت‌دیده آشکار شود. افراد مشارکت‌کننده در این تحقیق، ۱۵ نفر شامل ۷ زن و ۸ مرد ساکن شهر اصفهان که دارای سن ۲۸ تا ۶۸ بوده و از اردیبهشت ماه تا تیرماه سال ۱۴۰۰ به دادگاه خانواده واقع در دادگستری شهر اصفهان (شعبه مرکزی؛ شهید نیکبخت) مراجعه کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و بر اساس ملاک‌های متأهل بودن، سکونت در اصفهان و قرار داشتن در معرض خشونت خانوادگی به ویژه از سوی همسران انتخاب شدند. در این فرایند کوشش شده در انتخاب نمونه‌ها بیشترین گوناگونی لحاظ و افراد مشارکت‌کننده، از بین گروه‌های مختلف، شامل زنان و مردان متأهل با سطح تحصیلات مختلف، وضعیت سنی و وضعیت اشتغال متفاوت، انتخاب شوند. آنچه در نمونه‌گیری هدفمند اهمیت دارد، انتخاب نمونه‌هایی است که بتوانند «توصیف غنی» از تجربه زیسته خویش را درباره پدیده مورد نظر (در اینجا قربانی خشونت خانوادگی بودن) در اختیار پژوهشگران قرار دهند. داده‌های این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند جمع‌آوری شد؛ مصاحبه‌هایی که براساس گفت و گوی همدلانه میان پژوهشگر و مشارکت‌کننده شکل گرفت و براساس شرایط، هر مصاحبه به مدت ۳۰ تا ۷۰ دقیقه ادامه داشت. مصاحبه‌ها تا مرحله دست یافتن به اشباع نظری، که تقریباً از مصاحبه دوازدهم آغاز شده بود، ادامه یافت و در نهایت برای رعایت احتیاط و حصول اطمینان بیشتر از تکمیل اطلاعات مورد نظر، با پانزده مصاحبه کار جمع‌آوری اطلاعات به پایان رسید. برخی از سوالات پرسیده شده از مشارکت‌کنندگان در جهت فهم معنا، علل و دلایل و سرانجام پیامدهای خشونت خانوادگی به ویژه از سوی همسران نسبت به یکدیگر در نمونه

1. Maguire, M & Delahunt, B

مورد مطالعه از این قرارند: لطفاً بفرمایید دلیل حضور شما در دادگاه چیست؟ آیا همسر شما رفتاری داشته که باعث آزار و آسیب جسمی و یا روحی شما شود؟ اگر بله؛ فهم و برداشت شما از این رفتارهای همسرتان چیست؟ به نظرتان دلیل و علت این رفتارها چه بوده است؟ در حال حاضر از بابت رفتار ناراحت کننده همسرتان برای شما چه مسائل و مشکلاتی به وجود آمده است؟

شایان ذکر است برای تشخیص آسان تر و سهولت ارجاع عبارات مصاحبه به مشارکت کنندگان، برای ایشان نام مستعار انتخاب شد (نگاه کنید به جدول شماره ۱). ضمناً هیچگونه طبقه‌بندی خاصی در مورد مشاغل مشارکت کنندگان، مورد نظر نبوده و صرفاً آن چه خود اظهار داشته‌اند در جدول (۱)، درج شده است.

بیشتر مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت کنندگان ضبط و به افراد اطمینان داده شد که همه اطلاعات آنها، محرمانه و تا پایان پژوهش در اختیار پژوهشگران محفوظ می‌ماند. مکان مصاحبه‌ها با هماهنگی پژوهشگران و مشارکت کننده تعیین و در بیشتر موارد با توجه به خواست آنها، مصاحبه بیرون از محیط دادگستری شهر اصفهان انجام می‌شد. در فرآیند تحلیل داده‌ها، چارچوب و روش ۶ مرحله‌ای براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) مورد توجه محققان بوده و از این الگو پیروی شده است.

جدول شماره ۱. مشخصات فردی و خانوادگی افراد مشارکت کننده در پژوهش

شماره مشارکت کننده	سن	تحصیلات	شغل	مدت تاهل	تعداد فرزند
۱	۳۸	دیپلم	مشاغل خانگی-قالی بافی	۸	۱
۲	۴۵	کارشناسی	کارمند شرکت نفت	۱۴	۲
۳	۶۸	زیر دیپلم	بازنشسته	۴۳	۳
۴	۳۹	پزشکی	پزشک	۱	۰
۵	۳۴	کارشناسی	آزاد	۵	۱
۶	۲۸	کارشناسی ارشد	دانشجو	۶	۰
۷	۲۸	کارشناسی	خانه دار	۲	۰
۸	۵۰	کارشناسی	مدرس	۲۸	۳
۹	۳۷	کارشناسی ارشد	آزاد	۷	۱

1. Braun, V & Clarke, V

شماره مشارکت‌کننده	سن	تحصیلات	شغل	مدت تأهل	تعداد فرزند
۱۰	۳۲	کارشناسی ارشد	بازاریاب شرکت دولتی	۴	۰
۱۱	۳۰	کارشناسی	معلم	۴	۰
۱۲	۴۲	کارشناسی	آزاد	۱۲	۱
۱۳	۵۵	زیر دیپلم	آزاد	۲۵	۳
۱۴	۴۹	زیر دیپلم	خانه دار	۳۰	۵
۱۵	۵۵	زیر دیپلم	بازنشسته	۳۰	۵

یافته‌ها

پس از مطالعه عبارات مرتبط با خشونت خانوادگی، گویه‌ها و مفاهیم مشابه در قالب مضامین پایه دسته‌بندی و در ادامه مضامین سازمان‌دهنده با ارتباطات معنایی و وجوه مشترک تعیین شدند. سرانجام از مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر استخراج شده است. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در راستای پاسخ به سوالات نشان می‌دهد، خشونت خانوادگی شامل ۱۶ مضمون سازمان‌دهنده و ۷ مضمون فراگیر است که در ادامه در قالب جدول و نمودار شبکه مضامین به آنها اشاره شده است.

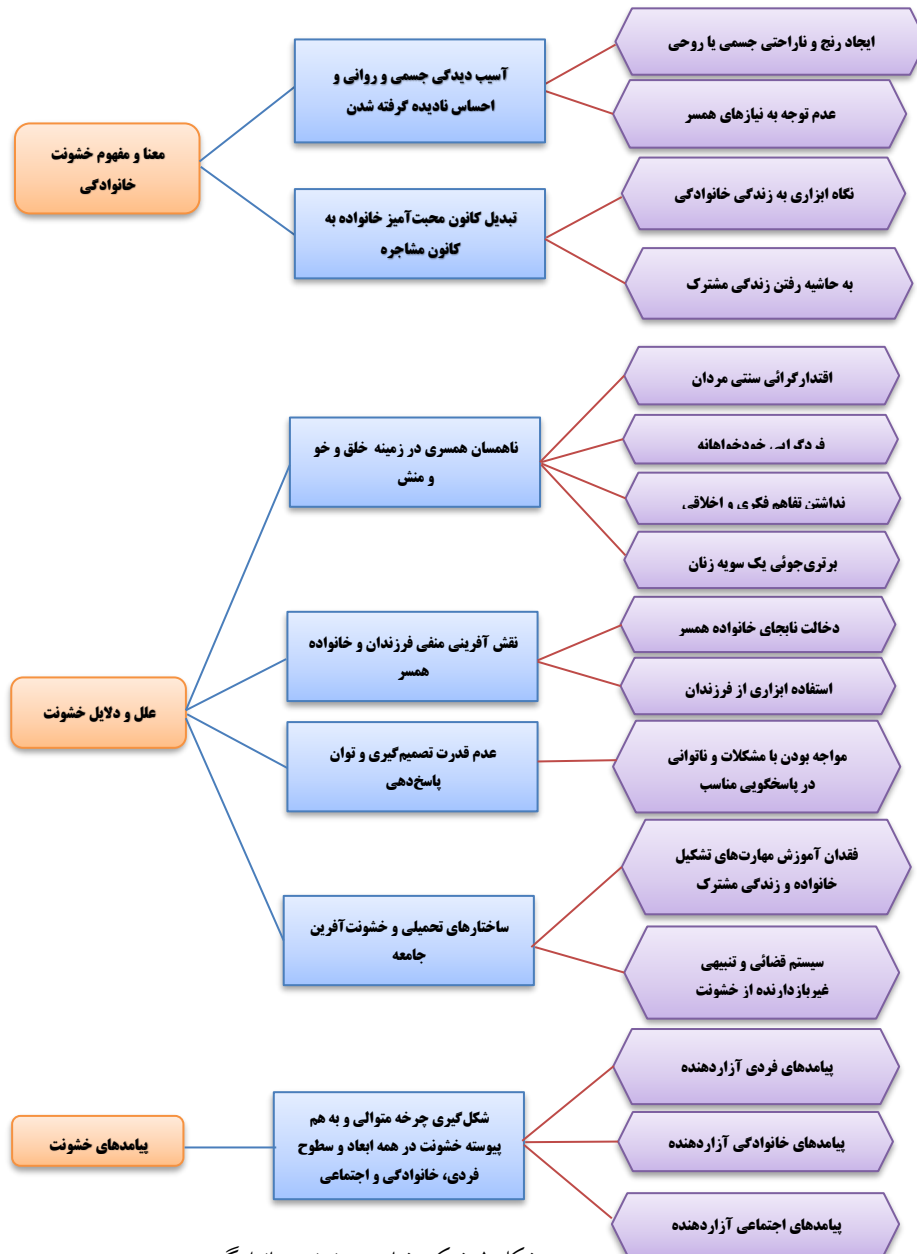
جدول ۲. مضامین استخراج شده در فرآیند پژوهش از مضمون پایه تا سازمان‌دهنده و فراگیر (معنا، دلایل و پیامدها)^۱

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	گویه‌ها یا مضامین پایه
آسیب دیدگی جسمی و روانی و احساس نادیده گرفته شدن	ایجاد رنج و ناراحتی جسمی یا روحی	افشای رازهای خصوصی
		لجبازی و تلافی‌جوئی
		شک و تردید به همسر
		نظارت و کنترل بیش از حد نسبت به همسر
		خودداری از ارتباط رضایت‌بخش (عاطفی و جنسی)
		صدمه جسمی و روحی

۱. شایان ذکر است آنچه در جدول شماره (۲) آمده، حاصل مرور همه مصاحبه‌ها در بخش مربوطه بوده است اما به منظور رعایت اختصار تنها بخش‌هایی از مصاحبه‌ها به عنوان مستند، ذکر می‌شود.

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	گویه‌ها یا مضامین پایه	
	عدم توجه به نیازهای همسر	زیر پا گذاشتن علائق همسر	
		بی تفاوتی نسبت به همسر	
		بی‌احترامی به همسر و خانواده او	
		نداشتن حق اظهار نظر و تصمیم‌گیری	
تبدیل کانون محبت‌آمیز خانواده به کانون مشاجره	نگاه ابزاری به زندگی خانوادگی	نگاه یکجانبه‌ی مادی به زندگی	
		قراردادن خانواده به عنوان وسیله کسب ثروت و قدرت	
	به حاشیه رفتن زندگی مشترک	بی‌اعتنایی به حریم و حرمت خانواده	
		از بین رفتن آسایش و آرامش عدم محبت و صمیمیت میان همسران	
ناهمسان همسری در زمینه خلق و خو و منش	اقتدارگرایی سنتی مردان	ضعیف‌پنداشتن جنس زن قیم‌دانستن مردان نسبت به زنان بی‌توجهی نسبت به نقش همسری	
	فردگرایی خودخواهانه	عدم مسئولیت‌پذیری خودمحوری	
	نداشتن تفاهم فکری و اخلاقی	عدم تفاهم فکری فقدان درک و فهم مشترک	
	برتری‌جوئی یک سو به زنان	سوء استفاده زنان از مردان میل شدید به آزادی‌های فردی و اجتماعی	
	نقش‌آفرینی منفی فرزندان و خانواده همسر	دخالت ناپسند خانواده همسر	مداخله خانواده همسر در موضوعات شخصی خود برتربینی همسر و خانواده او حرف شنوی همسر از دیگران تصمیم‌گیری خانواده همسر برای زندگی مشترک ایجاد دوگانگی میان همسران توسط خانواده‌ها
			ایجاد فشار روحی روانی از طریق فرزندان اولویت بخشی به فرزندان ورود فرزندان به حریم زن و شوهر
			احساس ناتوانی در پاسخ به نیازهای همسر
عدم قدرت			
	مواجه بودن با مشکلات		

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	گویه‌ها یا مضامین پایه
تصمیم‌گیری و توان پاسخ‌دهی	و ناتوانی در پاسخگویی مناسب	نبود ابتکار عمل ناشی از اجبار و محدودیت
		افزایش مشکلات اقتصادی و معیشتی
ساختارهای تحمیلی و خشونت‌آفرین جامعه	فقدان آموزش مهارت‌های تشکیل خانواده و زندگی مشترک	آماده نشدن جوانان برای ازدواج توسط نهادهای اجتماعی
		نداشتن همسرگزینی به هنگام، آگاهانه و آسان
		نداشتن مهارت کنترل و مدیریت خشم
	سیستم قضائی و تنبیهی غیربازدارنده از خشونت	الگوگیری نادرست از رسانه‌های جمعی
		ریشه‌یابی نشدن مشکلات همسران توسط دادگاه خانواده
		وضع قوانین ناکارآمد و یکطرفه
شکل‌گیری چرخه متوالی و به هم پیوسته خشونت در همه ابعاد و سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی	پیامدهای فردی آزاردهنده	منفعت‌گرایی و کلا و مشاورین خانواده
		ضرب و جرح منجر به نقص عضو
		از کار افتادگی جسمی و روحی
		احساس درماندگی و افسردگی مزمن و خودکشی
		پناه آوردن به داروهای روانگردان، الکل، موادمخدر، قمار، فالگیری و روابط غیر اخلاقی
	پیامدهای خانوادگی آزاردهنده	ناکارایی در محیط شغلی
		بی‌احترامی همسران به یکدیگر و ایجاد فشار روانی
		تشدید و تداوم بی‌توجهی به نیازهای طرفین
		نارسائی در تربیت فرزندان
		تضعیف شرافت، عزت نفس، منزلت خانوادگی
	پیامدهای اجتماعی آزاردهنده	احساس عدم کفایت در مدیریت خانواده
		افزایش انواع آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق و اعتیاد
		تشدید مسائل فرهنگی، اقتصادی، امنیتی جامعه
		افزایش هزینه‌های کنترل و ایجاد نظم اجتماعی



شکل ۱. شبکه مضامین خشونت خانوادگی

۱- نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها درباره معناشناسی و فهم مفهوم خشونت خانوادگی در مردان و زنان متأهل، دربردارنده چهار مضمون سازمان‌دهنده و دو مضمون فراگیر زیر است:

«آسیب دیدگی جسمی و روانی و احساس نادیده گرفته شدن»

این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان‌دهنده؛ «ایجاد رنج و ناراحتی جسمی یا روحی» و «عدم توجه به نیازهای همسر» تشکیل شده است. از نظر برخی از مردان و زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، معنا و مفهوم خشونت همسران به مثابه‌ی هر نوع عمل آسیب‌رسان از سوی همسر است که موجب ایجاد مسئله در روابط آنهاست و نتیجه آن باعث از دست دادن محبت، آرامش و احترام در خانواده است. در واقع فهم خشونت همسران به مثابه رفتاری است که باعث ایجاد رنج و ناراحتی شدید در آنها شده است. عموم مردان و زنان مشارکت‌کننده در پژوهش معتقدند همسر آنها با اعمال خشونت، باعث ایجاد انزجار و احساس تنفر در محیط خانه شده است. مشارکت‌کننده شماره ۱۱، آقا ۳۰ساله می‌گوید:

((چیزی که من را آزار می‌داد دخالت‌های خیلی زیاد خانواده‌اش مخصوصاً مادرش تو زندگی ما بود. مثلاً مادرش از جزئی‌ترین حرف‌های خصوصی بین ما باخبر بود همیشه و من هم که اعتراض می‌کردم فایده نداشت بازم کار خودش می‌کرد. حرف اصلاً گوش نمی‌داد و اعصاب من را مدام با لجبازی‌هاش خرد می‌کرد. هرچی برای من مهم بود اون برخلافش عمل می‌کرد. می‌گفتم دوست ندارم فلان جا بدون من بری می‌رفت. فلان کار را نکن بدتر می‌کرد. این کارهاش من را آزار داده و باعث شده تصمیم به جدائی بگیرم)) و مشارکت‌کننده شماره ۱۰، خانم ۳۶ساله می‌گوید: ((نمی‌تونه راحت صحبت و گفتگو کنه اگر کمترین موضوعی خلاف باب میلش و نظرش باشه شروع میکنه به بهانه‌گیری و جر و بحث، منم اگر حرفی بزوم که درگیری پیش میاد و زد و خورد ولی اگر حرفی نزوم و سکوت کنم خودش آروم میشه.))

«تبدیل کانون محبت آمیز خانواده به کانون مشاجره»

این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان‌دهنده؛ «نگاه ابزاری به زندگی خانوادگی» و «به حاشیه‌رفتن زندگی مشترک» تشکیل شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد برای بیشتر مشارکت‌کنندگان، فهم خشونت همسران به مثابه رفتاری است که باعث ایجاد خشم و ناراحتی شدید در آنها شده است. عموم مردان و زنان مشارکت‌کننده در پژوهش معتقدند همسر آنها با اعمال

خشونت، علیه مناقع و ارزش‌های آنها اقدام کرده است. که ادامه. مشارکت‌کننده شماره ۴، خانم ۳۹ ساله می‌گوید: ((بعد از ۵ ماه از عروسی، شوهرم هیچ چیزی برای خانه خرید نمی‌کند همه کاری می‌کند که من بدون درخواست مهریه از خونه بزنم بیرون. اصلاً فکرش اینه که پول جمع کند. بابای من مگر چقدر توان داره، هنوز داره قسط وام جهیزیه من را میده. باباش زنگ زده میگه اگر دامادتان را دوست دارید باید برای اینا هم گوشت و مرغ بخرید. ۵ ماه است داره با من اینجوری رفتار می‌کنه دیگه دارم احساس خطر می‌کنم، اصلاً تو اون خونه تپش قلب گرفتم. این دیگه نمی‌خواد زندگی کند. وقتی مقابل فامیل منو اینقدر خراب کردن، مقابل همسایه منو خراب کردن. جلوی همه نشستن میگن سر پسر ما داد میزنه. خودش دیگه نمی‌خواد اومده من را اذیت کنه.)) و مشارکت‌کننده شماره ۱۴، خانم ۴۹ ساله می‌گوید:

((۳۰ ساله که هراتفاقی افتاد تو خودم ریختم گفتم آبروم حفظ بشه، بچه‌ها کوچک‌اند. هیچی نمی‌گفتم. اما الان دیگه طاقت ندارم. دیگه پیش خودم گفتم برم بنزین بگیرم بریزم، خودم رو آتش بزنم. ادامه این زندگی هیچ نفعی نداره، خسته شدم دیگه.))

۲- نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها درباره شناخت علت‌ها و دلایل خشونت در میان مردان و زنان متأهل، دربردارنده نه مضمون سازمان‌دهنده و چهار مضمون فراگیر زیر است:

« ناهمسان همسری در زمینه خلق و خو و منش »

این مضمون فراگیر از مضامین سازمان‌دهنده؛ « اقتدارگرایی سنتی مردان»، « فردگرایی خودخواهانه»، « نداشتن تفاهم فکری و اخلاقی» و « برتری‌جویی یک سویه زنان» تشکیل شده است.

مردان و زنان مشارکت‌کننده در پژوهش تأکید داشتند که همسران آنها به جهت محیط و محتوای آموزشی، تربیتی و جغرافیایی مختلف، جهان بینی، ادراک و رفتار متفاوتی نسبت به موضوعات مختلف داشته و تفاهم و یکسان همسری در آنها وجود ندارد. بنابراین آنها، این نوع ادراک و خلق و خو و منش متفاوت را یکی از علل و دلایل خشونت خانوادگی فهم می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۸، آقای ۵۰ ساله می‌گوید: ((درسته می‌گه من قوی‌ام و من تحصیل کردم و بالارفتم و فلان. ولی بازم هر جور حساب کنی زن ضعیف تر است از مرد. نیاز دارد پشتیبانی بشه.)) و مشارکت‌کننده شماره ۹، خانم ۳۷ ساله می‌گوید: ((من اولویتم تو زندگی این بچه است. الان اگر

اینجا(دادگاه) هستم به خاطر آینده این بچه است. نمی‌خوام بابایی داشته باشه که تعهدی به زندگی نداره.)) یا و مشارکت‌کننده شماره ۴، خانم ۳۹ ساله می‌گوید: ((فکر می‌کنه چند بار که ریش سفید فرستادیم جلو ما باید مدام نازش را بکشیم اصلاً نمی‌بینه که این زندگی وسطه، منطق را بگزاره وسط. نمیبینه مثل یک دختر ۱۴ ساله که ناز می‌کنه هرچی نازش را بکشی تازه بیشتر قهر می‌کنه اینجوری شده. من نشستم باهاش حرف زدم این یک آدم یاغی است. فایده نداره منطق اصلاً سرش نمیشه. رفتیم مشاوره خیلی بدتر شد تازه مثلاً قبلاً زودتر می‌آمد خونه حالا دیرتر می‌آد.)) یا مشارکت‌کننده شماره ۱۲، آقا ۴۲ ساله می‌گوید: ((خودش و خانواده‌اش حرفشون را می‌زنن ولی میگن تو جواب نده. حتی حرف معمولی من تو خانواده‌اش چون ریش سفید نیست فایده ندارد. مشاوره هم بدون خروجی است و نمی‌پذیره. خانواده شان زن سالاراند.))

«نقش آفرینی منفی فرزندان و خانواده همسر»

این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان دهنده «دخالت نابه جای خانواده همسر» و «استفاده ابزاری از فرزندان» تشکیل شده است. در مصاحبه با مردان و زنان مشارکت‌کننده در پژوهش مشخص شد، خانواده همسر و فرزندان در مسئله آفرینی در روابط خصوصی همسران و ایجاد خشونت خانوادگی نقش پررنگی دارند. افراد خشونت دیده، دخالت‌های نابه جای خانواده همسر و سوء استفاده از فرزندان در روابط خانوادگی را، یکی از علل و دلایل خشونت خانوادگی فهم و بیان می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۱، ۳۸ خانم ۳۹ ساله می‌گوید: ((اگر من هم بخوام برم سر زندگی پدرم نمی‌گذاره. پدرم میگه: چون این مرد دروغ گفته که خانه دارد ولی ندارد پس خیانت کرده.)) همچنین مشارکت‌کننده شماره ۱۱، آقا ۳۰ سال می‌گوید: ((زندگی خوبی داشتیم اما دخالت‌های زیاد و نابه جای خانواده خانمم زندگیم رو خراب کرد. البته خانواده من هم تأثیر داشتند چون به هر حال نمی‌تونستند جواب کارهای اونا را ندن. اختلاف خانواده‌ها به ما هم رسید.)) خانمم بیشتر برای کسای دیگه زندگی می‌کنه تا خودمون، همش نگران کسی ناراحت نشه، به من مدام میگفت این کار را بکن چون زشت که انجام ندی اگر اقوام ما بفهمن زشته. مشارکت‌کننده شماره ۹، خانم ۳۷ ساله می‌گوید: ((مشکل من اینه که تصمیمات زندگی ما را بقیه می‌گیرن. حرف‌های من اصلاً فایده نداشت براش، فقط و فقط حرف مادرش را گوش می‌داد و خیلی برای اون زندگی می‌کرد. وقتی مامانش به من اهانت می‌کرد شوهرم تایید می‌کنه. اگر به مادرش می‌گفت این زن من است به زن

من اهانت نکن و جواب او را می‌داد و از من حمایت می‌کرد خوب بود. ولی مدام از مادرش حرف شنوی داره و خط می‌گیره.)) مشارکت‌کننده شماره ۸، آقای ۵۴ سال می‌گوید: ((به من گفت بگزار بچه‌هام بزرگ شن می‌دونم چه بلایی سرت بیارم. مدام دوگانگی ایجاد می‌کند این خانم در خانواده بین من و فرزندانم. پسر من به من گفت بابا یک کاری بکن شما نمی‌تونن با مامان کنار بیای و جنگ اعصاب باهم دارید (من گفتم: من جنگ ندارم مامانت توقع زیاد داره). گفت بیا خانه را به مامان بده به اسمش کن و مهریه اش را هم بده.)) و مشارکت‌کننده شماره ۲، آقا ۴۵ ساله می‌گوید: ((بدون اجازه من با پسر ۱۱ ساله ام اومدن اصفهان، پسر من زنگ زده از من پول می‌خواه بهش می‌گم کجایی میگه آمادیم اصفهان منزل پدر بزرگ. من از این گذشتم چیزی نگفتم که چرا بدون اذن من رفتی. گفتم من هرچی دارم و ندارم مال تو و بچه‌هاست.))

«عدم قدرت تصمیم‌گیری و توان پاسخ‌دهی»

این مضمون فراگیر از یک مضمون سازمان‌دهنده «مواجه بودن با مشکلات و ناتوانی در پاسخگویی مناسب» تشکیل شده است. مردان و زنان خشونت دیده دسترسی نابرابر به منابع قدرت را یکی از دلایل و عوامل خشونت خانوادگی فهم می‌کنند. تحلیل این مضمون بیانگر این نکته است که، افراد به موجب برخورداری از برخی جایگاه‌های اجتماعی و یا حدی از قدرت و ثروت، می‌توانند دست به خشونت زده و یا در صورت نداشتن جایگاه و قدرت لازم در جامعه، به جهت نداشتن توان و قدرت پاسخ‌دهی، مورد خشونت قرار می‌گیرند. در این رابطه مشارکت‌کننده شماره ۱۰، خانم ۳۲ ساله می‌گوید: ((یعنی احساس می‌کنم در برابر کسی قرار گرفتم که همه قوانین را بلده و خوب می‌دونه چکار کنه که گیر قانون نیوفته. بدتر از همه در برابر رفتارهای هیچکاری نمی‌تونم انجام بدم.)) یا مشارکت‌کننده شماره ۱۱، آقا ۳۰ ساله می‌گوید: ((موقع خریدهای ازدواج که شد ما برای دخترشان از بهترین مکان‌ها و گران‌ترین لباس‌ها و اجناس خرید کردیم ولی اونا مارا بردن پایین‌ترین نقطه شهر و حتی خودشون از قبل اجناس را انتخاب کرده بودن فقط گفتن تو تنها بدون خانواده بیا بریم خرید. خوب این موضوع خیلی برای من گران تمام شد.))

«ساختارهای تحمیلی و خشونت آفرین جامعه»

این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان‌دهنده «فقدان آموزش مهارت‌های تشکیل خانواده و زندگی مشترک» و «سیستم قضائی و تنبیهی غیربازدارنده از خشونت» تشکیل شده است. مردان و

زنان خشونت دیده معتقدند، عدم کفایت تسهیلگران اجتماعی و یا نقص در فرآیند اجتماعی شدن صحیح، می‌تواند عاملی باشد برای ایجاد و اعمال انواع خشونت خانوادگی همسران علیه آنها. از نگاه مشارکت کنندگان، بسترهای اجتماعی موجود می‌تواند باعث ایجاد و تشدید خشونت خانوادگی باشد. مشارکت کننده شماره ۱۰، خانم ۳۲ ساله می‌گوید: ((واقعا زندگی باهاش سخته تا وقتی که با خانواده خودشه، خیلی راحت و خوش برخورد ولی هر موقع اومده سمت ما مهمونی بعدش ما دعوا داشتیم و حتی زد و خورد توی ماشین. به نظرم هنوز بچه است و کوچک مانده. حتی فکر بچه دار شدن این مدت نکردم. واقعا نامتعادله و اگر عصبانی بشه خطرناک میشه، نمی‌دونم چرا با این روحیات، ازدواج کرده.)) و مشارکت کننده شماره ۶، خانم ۲۸ ساله می‌گوید: ((خیلی خشونت‌هایی که روی من اجرا میکنه، قبلاً تو فیلم‌های مختلف دیده؛ بهش میگم مجبوری این جور فیلم‌های خشن رو ببینی و بعد روی من اجرا کنی؟!)).

مشارکت کننده شماره ۱۲، آقا ۴۲ ساله می‌گوید: ((حل مشکل مردم برای این دادگستری مهم نیست. بجای این که برای نفقه، زود مرد را بندازن زندان، یک گفتگو بکنن شاید مشکل حل شه. این دادگاه نمی‌دونم چرا درک نمی‌کنه و بفهمد درد و مشکل مردم چیه تا مشکل حل شود. و کیل‌ها هم که دنبال این هستند، ی زندگی رو برای چند میلیون پول راحت بهم بریزن، خیلی راحت به خانم من پیشنهاد می‌داد تو دادگاه که چکار کن تا بتونی طلاقت را با مهریه کامل بگیری.)) و یا مشارکت کننده شماره ۱۳، آقا ۵۵ ساله می‌گوید: ((در مورد مشکلی که با خانمم داشتم، قاضی نگفت چه اختلافی دارید و سریع نوشت کارشناسی و تو روی ما ایستاد و برای اینا نفقه تعیین کردن و از همان موقع اختلاف و درگیری را پایه ریزی کردن برای ما.))

۳- نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها درباره پیامدها و تبعات خشونت در میان مردان و زنان متأهل، دربردارنده سه مضمون سازمان‌دهنده و یک مضمون فراگیر زیر است:

« شکل‌گیری چرخه متوالی و به هم پیوسته خشونت در همه ابعاد و سطوح

فردی، خانوادگی و اجتماعی»

این مضمون فراگیر از سه مضمون سازمان‌دهنده «پیامدهای فردی آزاردهنده»، «پیامدهای خانوادگی آزاردهنده» و «پیامدهای اجتماعی آزاردهنده» تشکیل شده است. در پیامد اصلی خشونت خانوادگی شکل‌گیری نوعی چرخه مداوم خشونت بر اساس اتخاذ راهبرد انتقام‌گیری و

تلافی جوئی است. این چرخه با عمل خشونت آمیز یک طرف شروع شده و با عکس العمل خشونت بار طرف دیگر ادامه می‌یابد به گونه ای که ممکن است از خشونت اخلاقی آغاز شده و به خشونت روانی، جسمی، جنسی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. بنابراین مهمترین پیامد خشونت خانوادگی، ادامه یافتن خشونت در یک چرخه متوالی و با موضوعات مختلف از حوزه فردی تا خانوادگی و اجتماعی خواهد بود. مشارکت کننده شماره ۱۲، آقا ۴۲ ساله می‌گوید: ((یک شب خواستم کارت بانکی را از خانم بگیرم خانم در ورودی ساختمان را محکم زد و یکم درگیر شدیم، زدم به صورتش نزدیک بود دماغش شکسته شود، افتاد زمین و بعد هم رفت تقاضای دیه کرد.)) و مشارکت کننده شماره ۷، خانم ۲۸ ساله می‌گوید: ((من که نمی‌تونم بشینم او هر کاری می‌خواد بکنه و منو بزنه، چند بار هم من اونو زدم. یعنی اون زد تو صورت منم زدم تو صورتش و تو پاهاش.)) یا مشارکت کننده شماره ۱، خانم ۳۸ ساله می‌گوید: ((شوهرم یکبار به بابام زنگ زد و هرچی دلش خواست به بابام گفت (فحش ناموسی)، مامانش هم (مادر شوهر) به من گفته عقب مانده.)) و فریبز ۴۴ ساله می‌گوید: ((چند وقت پیش باهش تماس گرفتم گفتم صرف آبروی دختر من، رفتارت رو اصلاح کن؛ به من میگه دیوانه، میگه روانی آمده توی گوش من زده. چند وقت پیش حمله ور شد به من و گفت آبرو برات نمی‌زارم. به دخترم میگه برو بیرون بدون اجازه پدر که من را عصبانی کند، دخترم ۲۰ سالشه. اگر بخواد دخترم را هم از من بگیرد من قانون و قرآن فراموش می‌کنم. من به خاطر دخترم خودم را هم می‌سوزنم.)) و مشارکت کننده شماره ۵، آقا ۳۴ ساله می‌گوید: ((بعد از یک مدت زندگی مشترک، دیدیم مثل قبل نیست، مدام می‌خوابه فکر کردم مشکلی شاید داره، نگو اول اعتیادش بود. به مرور متوجه شدم داخل وسایلش قرص‌های آرام بخش هست. بعد که بچه را خدا به ما داد، دیدم بچه مثل بچه‌های دیگه نیست بخنده و عادی باشه. تو شش ماهگی تشنج کرد، به خاطر اینکه مادرش هم تو حال اعتیاد خودش بود، سر موقع داروهاش را نداد و رسیدگی به او نشد، بچه به لحاظ ذهنی کند ذهن شد و الان تو بهزیستی نگهداری میشه.))

بحث و نتیجه‌گیری

بروز مسائل اجتماعی از جمله خشونت خانوادگی، به ویژه همزمان با تغییرات اجتماعی و فرهنگی عمدتاً بین‌المللی در سال‌های اخیر، نتیجه عوامل مختلفی است که با شناخت صحیح و کنترل این عوامل می‌توان نسبت به کاهش خشونت خانوادگی اقدام کرد. از منظر جامعه‌شناسی هر کوششی در زمینه فهم خشونت خانوادگی، مستلزم در نظر گرفتن ماهیت خانواده به عنوان یک جزء متصل به کل جامعه است.

هدف اصلی پژوهش حاضر، استخراج مضامین مرتبط با معنا، دلایل و پیامدهای خشونت زنان و مردان متأهل علیه همسران خود در شهر اصفهان بود. بنابراین در راستای پاسخ به سوالات پژوهش، هفت مضمون فراگیر «آسیب دیدگی جسمی و روانی و احساس نادیده گرفته شدن»، «تبدیل کانون محبت‌آمیز خانواده به کانون مشاجره»، «ناهمسان همسری در زمینه خلق و خو و منش»، «نقش آفرینی منفی فرزندان و خانواده همسر»، «عدم قدرت تصمیم‌گیری و توان پاسخ‌دهی»، «ساختارهای تحمیلی و خشونت‌آفرین جامعه» و «شکل‌گیری چرخه متوالی و به هم پیوسته خشونت در همه ابعاد و سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی» دسته‌بندی شده است.

طبق تحلیل نتایج به‌دست آمده و در پاسخ به سؤال معناشناسی و فهم مفهوم خشونت خانوادگی در مردان و زنان متأهل شهر اصفهان، به نظر می‌رسد معنای خشونت خانوادگی میان مردان و زنان به صورت کلی مشترک است. چرا که هر دو به مضامین «آسیب دیدگی جسمی و روانی و احساس نادیده گرفته شدن» و «تبدیل کانون محبت‌آمیز خانواده به کانون مشاجره» اشاره دارند. البته، تجارب و مصادیق خشونت خانوادگی در مردان و زنان متفاوت بوده که این موضوع به روحیه، فیزیک، قدرت جسمی و کلیشه‌های زنانه یا مردانه مرتبط است. این بخش از نتایج با پژوهش‌های سعیدی و همکاران (۱۳۹۹) و جان‌آبادی (۱۳۹۵) هماهنگی دارد. به نظر سعیدی و همکاران او "نوع تجارب زنان در زمینه خشونت، در نهایت تعریف شان را از خشونت علیه زن جهت می‌دهد". همچنین جان‌آبادی (۱۳۹۵) معتقد است. "تجربه مردان و زنان از خشونت خانگی متفاوت است به طوری که مردان به ترتیب بیشتر خشونت روانی، اجتماعی، جنسی، فیزیکی، اقتصادی و زنان بیشتر خشونت اجتماعی، اقتصادی، جنسی، فیزیکی و روانی را تجربه می‌کنند".

در ادامه تحلیل نتایج، و در راستای پاسخ به سؤال علل و دلایل خشونت خانوادگی، چهار مضمون فراگیر «ناهمسان همسری در زمینه خلق و خو و منش»، «نقش آفرینی منفی فرزندان و خانواده همسر»، «عدم قدرت تصمیم‌گیری و توان پاسخ‌دهی» و «ساختارهای تحمیلی و خشونت آفرین جامعه» از سوی مشارکت‌کنندگان بیان و توسط پژوهشگران استخراج شده است.

مضمون فراگیر «ناهمسان همسری در زمینه خلق و خو و منش» شامل چهار مضمون سازمان دهنده «اقتدارگرایی سنتی مردان»، «فردگرایی خودخواهانه»، «نداشتن تفاهم فکری و اخلاقی» و «برتری‌جویی یک سویه زنان» است که نشان می‌دهد در خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، هرگونه اختلاف اساسی و عدم تفاهم در خلق و خو و منش همسران می‌تواند زمینه وقوع رفتارهای خشونت بار را فراهم آورد. نتایج این مضمون با نتایج پژوهش ابراهیمی (۱۳۹۹) که نشان می‌دهد "در خانواده‌های سهل‌انگار، به دلیل ضعف شناخت اعضاء از یکدیگر و فقدان فضای گفتگو تنش در میان افراد افزایش پیدا می‌کند"، هماهنگی دارد. در این راستا همفکری و تلاش در جهت رسیدن به تفاهم، همفکری و همدلی همسران و مهمتر از آن دقت در انتخاب همسر می‌تواند از ایجاد و اعمال خشونت خانوادگی جلوگیری نماید.

مضمون فراگیر «نقش آفرینی منفی فرزندان و خانواده همسر» که از دو مضمون سازمان‌دهنده «دخالت نابه جای خانواده همسر» و «استفاده ابزاری از فرزندان» تشکیل شده است. در واقع به ناتوانی مردان و زنان در مدیریت مستقل زندگی و دخالت‌های نابه‌جا خانواده همسران و یا سوء استفاده از فرزندان برای اعمال فشار به همسر جهت دستیابی به اهداف شخصی اشاره دارد. سعیدی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود برای جستجوی علل وقوع خشونت خانوادگی، به مواردی مشابه دست یافته‌اند: "زنان به دخالت خانواده مرد، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی مرد، عدم شناخت کافی از یکدیگر و اندیشه‌های مردسالاری اشاره کرده‌اند". به این ترتیب می‌توان گفت دلایل وقوع برخی از خشونت‌های خانوادگی، نداشتن مهارت‌های مدیریت زندگی مشترک، عدم آشنایی با شیوه تربیت و رفتار صحیح فرزندان و عدم استقلال زوجین از خانواده و دخالت‌های مداوم و مخرب خانواده آنها است.

مضمون فراگیر «عدم قدرت تصمیم‌گیری و توان پاسخ‌دهی»، دیگر مضمون تشریح‌کننده دلایل و عوامل خشونت خانوادگی است و از یک مضمون سازمان‌دهنده «مواجهه بودن با مشکلات

و ناتوانی در پاسخگویی مناسب» تشکیل شده است. بر این اساس، وقتی مردان یا زنان نسبت به همسران خود منابع بیشتری در اختیار داشته باشند، توان آن‌ها برای به کرسی نشاندن خواسته‌هایشان افزایش یافته و به عکس همسر آنها دچار ناتوانی در اعمال نظر خواهد شد. این افزایش توان، در فرایند تصمیم‌گیری درون خانواده رخ می‌نماید و مردان و زنانی که نسبت به همسران خود از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر و منابع قدرت بیشتری برخوردارند، سهم بیشتری نیز در اخذ تصمیمات دارند. اگر شرکت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درون خانواده، عادلانه و بنا به اقتضاء نقش، جایگاه، حقوق و وظایف زنان و مردان صورت نگیرد، ممکن است به ایجاد تعارض و در ادامه به افزایش خشونت خانوادگی منجر شود. بنابراین به نظر می‌رسد به هر میزان که، زنان یا مردان نسبت به همسر خود به منابع قدرت بیشتری از قبیل درآمد، تحصیلات و منزلت اجتماعی دست یابند، ممکن است هنجارهای اجتماعی از جمله همراهی و همدلی با همسر را زیر پا گذاشته و در مقابل علائق و نیازهای همسر خود مقاومت بیشتری نشان دهند. این یافته‌ها با "نظریه منابع ویلیام گود" و پژوهش کبیری و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد. بر این اساس خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتداری است و هر مرد یا زنی که به منابع مهم خانواده (مانند شغل، تحصیلات، درآمد و غیره) بیشتر از همسر خود دسترسی داشته باشد، می‌تواند شریک زندگی خود را به فعالیت در جهت امیال خود مجبور کرده و تصمیم‌گیری‌های مهم را نیز خود به تنهایی انجام دهد.

مضمون فراگیر «ساختارهای تحمیلی و خشونت‌آفرین جامعه» از دو مضمون سازمان‌دهنده؛ «فقدان آموزش مهارت‌های تشکیل خانواده و زندگی مشترک» و «سیستم قضائی و تنبیهی غیربازدارنده از خشونت» تشکیل شده است. مفاهیم استخراج شده از این مضمون با نظریه خشونت نمادین بوردیو و پژوهش ابراهیمی (۱۳۹۰) هماهنگی دارد. ابراهیمی معتقد است: خشونت‌هایی در جامعه وجود دارند که تحت تأثیر باورهای فرهنگی اصلاً خشونت به شمار نمی‌آیند. این موارد در واقع بسترهای اجتماعی موجود در جامعه هستند که به نوعی خشونت خانوادگی را در مردان و زنان ایجاد، تقویت و تسهیل می‌کنند. بنابراین لازم است نهادهای حاکمیتی (قوه قضائیه، دولت و مجلس) و مردمی نسبت به شناسایی و حذف بسترهای ایجادکننده خشونت در خانواده اهتمام ویژه داشته باشند. نقش رسانه‌ها و به ویژه صدا و سیما در آموزش مهارت‌های زندگی و نیز در جلوگیری از ترویج

فرهنگ خشونت در جامعه، و تدوین قوانین بازدارنده و تنبیهی مؤثر در راستای کاهش خشونت خانوادگی، قابل توجه است.

در نهایت برای پاسخ به سؤال پیامدهای خشونت خانوادگی، مضمون فراگیر «شکل‌گیری چرخه متوالی و به هم پیوسته خشونت در همه ابعاد و سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی» از تحلیل نتایج مصاحبه با خشونت دیدگان، استخراج شده است. این مضمون فراگیر از سه مضمون سازمان‌دهنده «پیامدهای فردی آزاردهنده»، «پیامدهای خانوادگی آزاردهنده» و «پیامدهای اجتماعی آزاردهنده» تشکیل شده و بیانگر این نکته است که، پیامد اصلی خشونت خانوادگی شکل‌گیری نوعی چرخه مداوم خشونت بر اساس اتخاذ راهبرد انتقام‌گیری و تلافی‌جویی است. این چرخه با عمل خشونت‌آمیز یک طرف شروع شده و با عکس‌العمل خشونت بار طرف دیگر ادامه می‌یابد به گونه‌ای که ممکن است از خشونت اخلاقی آغاز شده و به خشونت روانی، جسمی، جنسی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. بنابراین مهم‌ترین پیامد خشونت خانوادگی، ادامه یافتن خشونت در یک چرخه متوالی و با موضوعات مختلف از حوزه فردی تا خانوادگی و اجتماعی خواهد بود. این نتایج با پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۹) و اله نوری و همکاران (۱۴۰۱) هماهنگی دارد آنها معتقدند: "استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان، مبارزه، انتقام‌جویی و انزوایگزینی است که به گسست در روابط عادی خانواده و اثرات منفی روانی و ارتباطی منجر می‌شود."

سایر پیامدهای ناشی از خشونت خانوادگی شامل ضرب و جرح منجر به نقص عضو، بی‌احترامی به یکدیگر، ایجاد فشار روانی، بی‌توجهی به نیازهای طرفین، از دست دادن محبت، صمیمیت و آرامش، خدشه دار شدن شرافت و عزت نفس، کاهش منزلت خانوادگی و اجتماعی، گرایش به انواع آسیب‌های اجتماعی، احساس درماندگی، افسردگی مزمن، طلاق و در نهایت خودکشی است. همچنین پیامد خشونت خانوادگی در خصوص فرزندان قربانیان، ایجاد مشکلات تربیتی، افت تحصیلی، ایجاد رفتارهای نابهنجار، فرار از خانه و نفرت شدید نسبت به پدر و مادر است. از میان انواع خشونت خانوادگی، پنج نوع آن شامل «خشونت جسمی»، «خشونت روانی»، «خشونت جنسی»، «خشونت اجتماعی» و «خشونت اقتصادی» پیشتر در پژوهش‌های دیگر ذکر شده‌اند. به نظر می‌رسد خشونت اخلاقی نوع تازه‌ای از خشونت خانوادگی باشد که می‌تواند یافته جدید این پژوهش به حساب آید. به اذعان مردان و زنان خشونت دیده، خشونت اخلاقی در فرآیند استقرار

آرامش و صمیمیت خانواده ایجاد مشکل اساسی کرده و فراوانی وقوع آن در مردان و زنان نگران کننده است. این نوع از خشونت مبتنی بر روحیه و خلق و خوی افراد مانند غرور، تعصب، لجبازی، عدم همراهی، تلافی جویی و اصرار و پافشاری بر اندیشه و رفتار غلط است که معمولاً در فرایند تربیت و اجتماعی شدن از گذشته و حتی در کودکی آموخته و تقویت شده، در رفتارهای گوناگون فرد بروز و ظهور می‌یابد. و می‌تواند در تمامی تعاملات اجتماعی از جمله ارتباط با همسر مسائل و مشکلاتی را به وجود آورد. از سوی دیگر ممکن است این گونه از خشونت را بر اساس بیماری‌های روانی یا عادت‌های بیمارگون و بعضاً اکتسابی روان‌شناختی که تعاملات آدمی را دچار مشکل می‌سازد، تعبیر کرد. شایسته است برای روشن شدن ماهیت و ابعاد این نوع از خشونت خانوادگی مطالعات تخصصی و بین رشته‌ای صورت گیرد. بنابراین در راستای کنترل و کاهش مسئله خشونت خانوادگی پیشنهاد می‌شود ساختارهای قانونی، اداری و پشتیبانی توسط نهادهای حاکمیتی همچون مجلس، قوه قضائیه و دولت جمهوری اسلامی جهت رسیدگی تخصصی و حمایت کافی از خانواده با محوریت موضوعات زیر تشکیل شود:

تربیت، آموزش و توانمند سازی جوانان در سن ازدواج با استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش و آموزش با تأکید بر: مهارت‌های زندگی مشترک، اصول ارتباط زوجین، شیوه تعاملات بین فردی، مهارت حل مسئله، حل تعارض و خشونت در خانواده. ارائه خدمات تربیتی و حمایت گرایانه، مشاوره و اورژانس اجتماعی توسط سازمان بهزیستی به افراد دچار خشونت خانوادگی به ویژه افراد ضعیف و فاقد حمایت، خانواده‌های محروم و دچار آسیب‌های اجتماعی به صورت تخصصی و مسئله محور. توجه به نقش آموزشی و تربیتی صدا و سیما و سایر رسانه‌های نو پدید مانند رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی، شبکه نمایش خانگی و ... در گرایش به محبت، آرامش و یا ایجاد خشونت و درگیری در جامعه. برنامه‌ریزی مناسب، نسبت به تولید محصولات رسانه‌ای در جهت افزایش آرامش، محبت و صمیمیت در خانواده‌ها و جلوگیری قاطع از انتشار محتوای مروج خشونت در فضای رسانه‌ای داخلی. تربیت کودکان و نوجوانان با تأکید بر روش‌های اخلاقی، تربیت نفس و تزکیه اخلاقی و مطالعه و معرفی کتب اخلاقی و شرح حال انسان‌های با اخلاق.

محدودیت اصلی پژوهش عدم همکاری تعدادی از مشارکت کنندگان، به دلیل ترس از افشای اطلاعات زندگی خصوصی آنها بود؛ چراکه آن‌ها تمایلی به برملا کردن زوایای پنهان زندگی شخصی خود نداشتند. همچنین نبود آمارهای رسمی، جدید و قابل استناد در خصوص خشونت خانوادگی به ویژه در شهر اصفهان، محدودیت دیگر این پژوهش بود.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس. (۲۰۱۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی (۱۴۰۰)، چاپ ششم شانزدهم، تهران: نشر نی.
- ابراهیمی پور، قاسم. (۱۳۹۰). «خشونت نمادین در خانواده»، فصلنامه معرفت، ۲۰(۱۶۲)، صص ۳۰-۱۵.
- ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۹). سنخ‌شناسی مواجهه خانواده ایرانی با بحران کرونا، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، صص ۲۴۹-۲۲۵.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی "زنان کتک خورده"، تهران: نشر سالی.
- اعظم آزاده، منصوره و دهقان فرد، راضیه. (۱۳۸۵). «خشونت علیه زنان در تهران، نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی»، فصلنامه علمی پژوهشی زنان، ۴(۱-۲)، صص ۱۷۵-۱۵۹.
- پورافکاری، نصراله. (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی: ۳۸۶-۳۷۳.
- جان آبادی، سعید. (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی نوع و میزان خشونت خانگی تجربه‌شده توسط زنان و مردان متأهل در شهر زابل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسینی، نامدار؛ سفیری، خدیجه و سیدمیرزایی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). واکاوی جامعه‌شناسی زمینه‌ها و عوامل اجتماعی و فردی خشونت خانگی (مورد مطالعه قربانیان خشونت خانگی شهرهای زلزله‌زده تازه‌آباد و جوانرود). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۹(۱۷)، صص ۴۹-۲۷.
- سعیدی، ایمانه؛ معمار، ثریا و کیانپور، مسعود. (۱۳۹۹). تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی (مورد مطالعه: زنان مراجعه‌کننده به واحد کاهش طلاق، مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان)، مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، صص ۱۴۲-۱۲۳.
- سلیمی، منیژه؛ چیت سار، محمد علی و امین جعفری، بتول. (۱۳۹۹). بکارگیری رویکرد ساختاری-تفسیری جهت طراحی مدل عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه مردان در جوامع شهری (مطالعه موردی مردان شهر زنجان)، مطالعات جامعه‌شناسی شهری، ۱۰(۳۷)، صص ۴۰-۱.
- شکری، امید؛ خدائی، علی و معزالدینی، شیرین. (۱۴۰۰). تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته زنان درباره خشونت خانگی در دوران قرنطینه کوید ۱۹، روانشناسی کاربردی، ۱۵(۳)، صص ۴۰۲-۳۸۱.
- شیرعلی، اسماعیل. (۱۴۰۰). فهم و تفسیر زنان از خشونت خانوادگی و ابعاد چندگانه آن با رویکرد پدیدارشناسانه ون مانن (مطالعه موردی: زنان در معرض طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده مجتمع قضایی شهید باهنر تهران). پژوهش‌نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۲(۳۸) صص ۱۳۶-۱۰۷.

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۹). «خشونت خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن (مطالعه‌ای کیفی)»، مجله‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۱) صص ۱۴۲-۱۰۸.
- صدیق سروسنانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). انتشارات سمت، چاپ دوم
- فیروزجاییان، علی‌اصغر و رضایی، زهرا (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی خشونت زنان علیه مردان»، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق). ۹(۲) صص ۱۳۰-۱۰۵.
- صدیق اورعی و همکاران. (۱۳۹۹). مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی. مجله مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲) صص ۶۴-۳۳.
- قاسمی، یارمحمد و هاشمی، علی. (۱۳۹۸). انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک، فرهنگ ایلام، ۲۰(۶۵-۶۴) صص ۳۳-۷.
- کرسول، ج. (۱۳۹۴). پویای کیفیت و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه: حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.
- کیانی، مژده. (۱۳۹۳). تجربه زنان از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۳(۱) ۱۴-۲۶.
- کیوان آرا، محمود و همکاران. (۱۳۹۰). بررسی میزان همسرآزاری و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر اصفهان، مجله سلامت و بهداشت، ۴(۶) صص ۴۵۷-۴۴۸.
- مارایی، محسن (۱۳۸۴). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان کامیاران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدخانی، پروانه؛ رضایی دوگانه، ابراهیم؛ محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۵). «شیوع الگوی خشونت خانگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵(۲۱) صص ۲۲۳-۲۰۵.
- نیکدل، فریبرز، و جاویدیان، صادق. (۱۳۹۸). طرحواره‌های شناختی پرخاشگر، شیوه‌های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۹(۳۳) ۵۲-۳۵.
- هابرهاس، یورگن. (۱۳۸۴). نظریه‌ی کنش ارتباطی (جلد ۱، عقل و عقلانیت جامعه)، ترجمه کمال پولادی. تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- صفاری، علی؛ صابری، راضیه؛ لکی، زینب و رضایی، عباس. (۲۰۲۱). تأثیر شیوع بیماری کووید ۱۹ و فاصله‌گذاری اجتماعی بر نرخ جرایم (مطالعه موردی: استان تهران). پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۹(۱۷) صص ۲۳۷-۲۰۷.
- یعقوبی دوست، محمود؛ عنایت، حلیمه (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت خانگی آن‌ها نسبت به فرزندان»، مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۱۱(۱) صص ۹۴-۶۹.

کیبیری، افشار؛ سعادت، موسی و نوروزی، وحید. تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه) فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۲(۹) صص ۳۱۹-۲۹۵.

- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Costa BM, Kaestle CE, Walker A, Curtis A, Day A, Toumbourou JW, (2015). Longitudinal predictors of domestic violence perpetration and victimization: A systematic review. *Aggres Violent Behav*. 2015; 24:261-72. doi: 10.1016/j.avb.2015.06.001
- Dobash, R. P., & Dobash, R. E. (2004). Women's violence to men in intimate relationships: Working on a puzzle. *British journal of criminology*, 44(3), 324-349.
- Sanga, S., & McCrary, J. (2020). The Impact of the Coronavirus Lockdown on Domestic Violence. Available at SSRN 3612491.
- Saunders, D. J., Eliot.M.(1989). Who this First and who Hurts most? Evidence for the Greater Victimization of Women in Intimate Relationships, *American Society of Criminology*, Reno, NV. 6(2), 105-122.
- Sanders, C. K. (2015). Economic abuse in the lives of women abused by an intimate partner: A qualitative study. *Violence against Women*, 21(1), 3– 29.
- Macionis, John (2010), *Sociology*, United States of America: Prentice Hall.
- Maguire, Moira; Delahunt, Brid (2017), *Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars*, AISHE-J, Volume 8, Number 3, Autumn 2017, pp 3351-3364.

